

تحلیل پی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان (صفحات ۲۰۹ تا ۲۳۸)

DOR:20.1001.1.17358663.1402.18.55.9.9

نوع مقاله: پژوهشی

علی‌تدین راد^۱ * سارا نجف‌پور^۲ * سید محسن آل‌سید غفور^۳

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳

دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

چکیده

در شرایطی که تنوع فرهنگی و قومی در درون سازواره فراگیر میهن و هویت ملی امری واقعی و انکارناشدنی است، چندفرهنگ‌گرایان برآنند که بر مدار آراء و انگاره‌های آنان و با به رسمیت شناختن تفاوت‌ها و الزامات آن در سیاست‌گذاری‌ها می‌توان به سازگاری و تقویت هویت و همبستگی ملی رسید. منتقدان در مقابل، مبانی این آراء را به چالش می‌کشند و برخی نیز بر ضرورت نگاه بومی‌مبنتی بر فرهنگ‌ها و بسترهای محلی تأکید می‌نمایند. با نظر به این نقدها و در شرایطی که ایران دارای تنوع قومی و فرهنگی زیادی است، کاربست سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایانه نیازمند توجه بیشتر است. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی و تحلیل آثار چندفرهنگ‌گرایی در ایران و سوال اصلی این است که چندفرهنگ‌گرایی چه اثری بر رویکردهای مختلف گروه‌های اقلیت دارد؟ هدف رسیدن به فهمی بهتر از پی‌آمدهای سیاست‌ها و رویکردهای چندفرهنگ‌گرایانه است و این فهم به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب‌تر در این حوزه کمک خواهد کرد. برای بررسی موضوع، از روش کمی پیمایش و ابزار پرسشنامه در شهر اهواز استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رویکرد چندفرهنگ‌گرایانه به تقویت هویت ملی و همبستگی اجتماعی نمی‌انجامد، اما در عین حال حس مسئولیت‌پذیری اعضای گروه‌های مختلف نسبت به مسئولیت‌های شهروندی ملی را کاهش نمی‌دهد و با نظر به این که به تقویت گرایش اعضای گروه‌های اقلیت به فرهنگ خودی نیز منجر نمی‌شود، می‌توان گفت این سیاست‌ها تا حد زیادی مطابق نقدهای نظری ارائه‌شده، در عمل در ایران نامطلوب یا دست‌کم بی‌اثر هستند و کاربست این رویکرد باید مورد بازاندیشی و بررسی بیشتر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ایران، اقلیت، چندفرهنگی، گروه، قومیت، هویت.

tadayon@scu.ac.ir

۱. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

S.najafpour@scu.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۱- بیان مسئله

امروزه با دگرگونی فرهنگی و تفاوت‌هایی که میان هویت‌ها، فرهنگ‌ها، ادیان، قومیت‌ها و حتی سبک‌های متفاوت زیستن وجود دارد، نمی‌توان صرفاً از یک سیاست یگانه و فراگیر برای اداره جامعه استفاده کرد و تضمینی وجود ندارد که سیاست اتخاذ شده با عدالت سازگار باشد. این موضوع به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه چالش‌برانگیزتر است، زیرا در چنین جوامعی بسیاری از روشنفکران و سیاستمداران بر این باورند که برای اداره مطلوب جامعه و همچنین دستیابی به توسعه می‌بایست از روش‌هایی استفاده کرد که برای دیگر کشورها - کشورهای توسعه‌یافته - مثمر واقع شده‌اند. به همین جهت عموماً بر ایجاد یک فرهنگ و هویت واحد برای همه کشور تأکید می‌ورزند و گاه به نفی و حتی تحقیر تفاوت‌ها می‌پردازند و به این ترتیب، بخش بزرگی از جامعه را «دیگری» محسوب می‌کنند. این در حالی است که چنین رویکردی و دیگری محسوب کردن اقلیت‌ها و یا حتی برابر گرفتن افراد و اجتماعات نابرابر، می‌تواند آسیب‌های بی‌شماری از جهات گوناگون احساسی، هویتی، عقلانی و... در پی داشته باشد (Eller, 1997:249). تاریخ نشان داده است که در اکثر مواردی که دولتی اقتدارش را در حمایت از یک گروه و بر اقلیت‌های متعدد اعمال نموده است، گروه غالب انگیزه‌ای قوی برای استفاده از این اقتدار در جهت تحمیل فرهنگ خود بر گروه‌های ضعیف‌تر داشته است و تا حد شبیه‌سازی اقلیت‌های تحت فشار طبق فرهنگ اکثریت پیش رفته است (واتسون، ۱۳۸۱: ۶۸). این رویکرد به بروز مشکلات متعدد ناشی از تنوع فرهنگی منجر می‌گردد؛ مشکلاتی که شامل که طیف گسترده‌ای از موارد از احساس از خود بیگانگی سیاسی^۱ تا جدایی‌طلبی می‌شود. به بیان دیگر بروز این گونه مشکلات در جوامع چندفرهنگی را می‌توان از جمله نتایج و پیامدهای فقدان سیاست‌های مناسب یا نقص در اجرای آن دانست که وجود نابرابری میان گروه‌های مختلف جامعه را بازتولید می‌کند. نابرابری در جوامع چندفرهنگی می‌تواند یک احساس ذهنی باشد که به دلیل عملکرد نادرست مدیران شکل می‌گیرد و یا یک واقعیت عینی باشد که از ساختارها و قوانین نابرابر نشئت می‌گیرد (O'Neill, 2003:372). در برابر این رویکرد، حکومت‌ها

1- Political Alienation

می‌توانند با شناخت مطالبات و انتظارات اقلیت‌ها و قومیت‌های پرجمعیت متفاوت و پاسخ مناسب به آن‌ها که شامل سیاست‌گذاری‌های عادلانه نیز می‌شود، از بروز تنش‌ها و بحران‌های ناشی از تنوع فرهنگی از جمله تنش‌ها و پیشگیری کنند.

چندفرهنگ‌گرایی^۱ از پاسخ‌های نظری داده شده برای مسائل جوامع چندفرهنگی است. همچنین نقدی بر سیاست‌های عام‌نگر و یکدست‌ساز حکومت‌ها و نیز جهان‌شمول‌گرایی لیبرالیسم به شمار می‌رود که دارای نوعی قرابت محتوایی با پسا‌ساختارگرایی و جماعت‌گرایی است. چندفرهنگ‌گرایی از منظر هستی‌شناسانه منزلت گروه‌های فرهنگی - هویتی را بالاتر از فرد قرار می‌دهد و در صدد است از عام‌نگری فرهنگ مسلط‌رهایی یافته و به سایر گروه‌های حاشیه‌نشین امکان ابراز وجود دهد. در حقیقت می‌توان چندفرهنگ‌گرایی را مفهومی دانست که بر به رسمیت شناختن «تفاوت»ها تأکید می‌نماید (کریمی، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۶)؛ اما این رویکرد با نقدهای نظری فراوانی رو به رو بوده است و کارآمدی آن در جوامع چندفرهنگی از سوی منتقدان از جهات گوناگون به چالش کشیده شده است؛ اما با وجود مباحث نظری و استدلال‌های عقلانی فراوان و پرقوتی که از سوی متفکران برجسته این نحله، همچون ویل کیملیکا^۲، ژان فرانسوا لیوتار^۳، مایکل والزر^۴، چارلز تیلور^۵ و السدیر مک‌ایننتایر^۶ ارائه شده است و نیز با این که نقدهای متقابلی از سوی منتقدان آنان از جهت نظری ارائه شده است، کارآمدی و صحت آن اندیشه‌ها در جوامع چندفرهنگی در عرصه عمل کمتر بررسی شده‌اند و به طور خاص، در مورد جامعه ایرانی ارزیابی میدانی در مورد آن‌ها کم بوده است.

در این پژوهش بر آنیم که اثرهای چندفرهنگ‌گرایی را در جامعه ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم. از این روی سوال اصلی تحقیق این است که چندفرهنگ‌گرایی چه اثری بر رویکردهای مختلف گروه‌های اقلیت دارد؟ برای بررسی این موضوع، در بخش مبانی مفهومی، ضمن توضیح رابطه مفاهیم جامعه چندفرهنگی و چندقومیتی، رویکردهای مختلف به پدیده جامعه چندفرهنگی را مرور می‌کنیم و با

1- Multiculturalism
2- Will Kymlicka
3- Jean-François Lyotard
4- Michael Walzer
5- Charles Taylor
6- Alisdair MacIntyre

تحلیل بی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان.....

دسته‌بندی نقدهای وارد شده به چندفرهنگ‌گرایی، در ادامه تحقیق صحت این نقدها را با طراحی فرضیه‌های متناسب و با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه در شهر اهواز که نمونه‌ای از یک جامعه چندفرهنگی با تنوع قومی بالاست، مورد بررسی قرار می‌دهیم تا در مورد صحت این نقدها و در مقابل، کارآمدی و اثر سیاست‌های چندفرهنگی در ایران، به بینشی روشن‌تر برسیم.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱- ادبیات تجربی

مسائل جوامع چندفرهنگی از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در میان پژوهش‌های داخلی و خارجی آثار متعددی در این باره می‌توان دید. در پژوهش‌های خارجی، مباحث چندفرهنگی حوزه کار متفکران برجسته‌ای چون مکینتایر (۱۳۹۰، ۱۳۷۴، ۱۳۷۹، ۱۳۹۱، ۱۹۸۸)، ویل کیملیکا (۱۳۹۸)، سی‌دلیو واتسون (۱۳۸۱)، اندرو میلز و جف براویت (۱۳۸۵)، کریج کالهنون (۱۳۸۹)، کریستیان دلاکامپانی (۱۳۸۲)، مایکل والزر (۱۳۸۹)، الیزابت فریزر^۱ (۱۹۹۹)، جان گری^۲ (۱۹۹۸، ۱۹۹۶)، جان رالز^۳ (۱۹۹۳) و دیگران بوده است که عمده مباحث چندفرهنگی بر مدار آرای اینان در جریان است. گروهی از پژوهش‌های ایرانی نیز ابعاد نظری این موضوع را به‌ویژه با مرور و واکاوی صاحب‌نظران برجسته غربی مثل کیملیکا، مکینتایر و یا متفکران ایرانی بررسی کرده‌اند (حسینی بهشتی، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵؛ ملکیان، ۱۳۷۹؛ چمن‌خواه، ۱۳۸۹؛ بشیریه، ۱۳۷۹؛ واعظی، ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸؛ شهریاری، ۱۳۸۲؛ عبداللهی و روحی، ۱۳۹۷). در این مقاله رویکردهای نظری این متفکران جریان اصلی چندفرهنگ‌گرا و انگاره‌های منتقدان آن‌ها را در عرصه عمل و برآیند سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایانه بررسی می‌کنیم، بدون این که از جهت نظری به نقد یا جانب‌داری از هریک پردازیم. به‌عبارت‌دیگر، هدف ما نشان دادن و تحلیل آثار سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایانه در عرصه عمل است و برای این تحلیل و ارزیابی، نقدهای منتقدان چندفرهنگی را به مثابه نوعی فرضیه ارزیابی می‌کنیم. این رویکرد در بررسی‌های خارجی دارای سابقه است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

1- Elizabeth Frazer

2- John Gray

3- John Rawls

در مقاله «ملیت یا قومیت من؟ غرور و نگرش جوانان بالی به عنوان شهروند اندونزی» محققین به این نتیجه رسیده‌اند که نگاه چندفرهنگی موجب می‌شود که اقلیت‌های قومی نگاه منفی به هویت ملی نداشته باشند؛ هرچند در این پژوهش این نتیجه نیز به دست آمده است که خانواده و دانشگاه بر هویت ملی و قومی تأثیر ندارد (Surijah et al, 2019). در تحقیقی با عنوان «الگوی آموزش ملیت: اجرای یک الگوی آموزشی ممتاز برای جوانان در فرهنگ‌های مختلف موجود در اندونزی»، نویسندگان با مطالعه مدل Score-A پنج مؤلفه مرکزی این مدل (آگاهی فضایی، آگاهی فرهنگی، آگاهی سازمانی، آگاهی دینی و آگاهی اقتصادی) روشن کرده‌اند که عناصر مدل می‌توانند به بالا بردن سطح هویت ملی بین جوانان مورد مطالعه کمک کنند (Komarudin et al, 2019).

کوچریاویا و همکارانش (۲۰۲۰) در پژوهش خود با تجزیه و تحلیل اجرای سیاست چندفرهنگی در چندین قاره غیر اروپایی، اشتباهات استراتژیک و دلایلی را که چرا سیاست چندفرهنگی در اروپای امروز ناکارآمد تلقی می‌شود را تحلیل کرده‌اند. از نظر آن‌ها سیاست‌های چندفرهنگی کنونی نتوانسته‌اند میان مهاجران و فرهنگ ملی ارتباطات مناسب برقرار کنند (Kocheryavaya, et al, 2020: 58-69). شماری از پژوهش‌های مشابه در بررسی وضعیت جوامع چندفرهنگی غربی به نتیجه مشابهی رسیده و بر آنند که هویت به نمایش در آمده در این جوامع محصول یک سازش چندفرهنگی پذیرفته شده توسط اکثریت گروه‌ها نیست، بلکه فقط بازتابی از آن ارزش‌هاست که تعداد زیادی از جوامع فرهنگی به آن تعلق ندارند (Nikolaeva et al, 2018). تیموتی کیز^۱ (۱۹۹۶)، بر این باور است که برای کاهش تناقضات احتمالی میان فرهنگ‌ها بهترین نقطه شروع، سیستم آموزشی است و یکی از بهترین راه‌های آموزش، آشنا کردن کودکان با افسانه‌ها، داستان‌ها و به‌طور کلی ادبیات فولکلور فرهنگ خود و دیگر فرهنگ‌ها است. آلم لاکان^۲ (۱۹۹۳)، به این نتیجه می‌رسد که در جوامع چندفرهنگی، اقلیت‌های نامرئی وجود دارند که دارای این قابلیت‌اند که از چندفرهنگ‌گرایی در مقابل اهداف ابزاری جامعه حمایت کنند.

پیشینه پژوهش‌های ایرانی نشان می‌دهد جامعه چندفرهنگی و مسئله‌های آن از

1- Timothy J. Keys
2- Aleem Lakhani

تحلیل بی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان.....

زوایای گوناگون بررسی و تحلیل شده‌اند و در ایران نیز علاوه بر ابعاد نظری، به مقولات مرتبط در حوزه آموزش، قومیت، عدالت و غیره پرداخته شده است. آموزش چندفرهنگی (اسدی اقبلاغی و حسینی کینکی، ۱۴۰۱؛ حمیدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸؛ افضل‌ی و همکاران، ۱۴۰۱)، چندفرهنگ‌گرایی و دموکراسی (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹)، مباحث دینی و چندفرهنگ‌گرایی (رفیعی محمدی، ۱۴۰۰)، سیاست‌گذاری در جامعه چندفرهنگی (اکبری و نوروزی فراتی، ۱۳۹۹) و شمار زیادی از تحقیقات موردی که به مقولاتی مثل تبعیض، عدالت، مدارا و غیره در شهرهای مختلف ایران پرداخته‌اند (فربد و خسروی، ۱۳۹۷؛ قادرزاده و نصراللهی، ۱۳۹۸؛ رستگار و هادی، ۱۳۹۹؛ سواری، ۱۳۹۷؛ مولایی، ۱۳۸۷؛ میرمحمدصادقی ۱۳۸۷، علیخانی، ۱۳۸۲) در این حوزه به چشم می‌خورند.

با این پیشینه و ادبیات تحقیق، به نظر می‌رسد آنچه نیاز به تأمل و بررسی دقیق‌تر دارد، کارآمدی و کیفیت اثرگذاری سیاست‌های چندفرهنگی و اصل چندفرهنگ‌گرایی در ایران است. به عبارت دیگر، آن سیاست‌ها و الگوهای فکری و نظری‌ای که برای بهبود ارتباطات و زندگی اقلیت‌ها و نیز همبستگی اجتماعی و ملی در جوامع چندفرهنگی ارائه شده‌اند، دست کم در مورد ایران و گروه‌های اقلیت فرهنگی مختلف آن به مثابه جامعه‌ای با ویژگی‌های منحصربه‌فرد و متفاوت آن از جوامع غربی و شرقی، نیازمند ارزیابی هستند. در این تحقیق این ارزیابی را با تمرکز بر نقدهای ارائه شده در مورد چندفرهنگ‌گرایی و آثار آن انجام خواهیم داد.

۲-۲- ادبیات نظری

جامعه چندفرهنگی و قومیت

جامعه چند فرهنگی^۱ به جامعه‌ای گفته می‌شود که از نظر انواع مذاهب، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها، نژادها و سبک‌های متفاوت زندگی تنوع درونی زیادی دارد. چنین جامعه‌ای از منظر فرهنگی، عمیقاً دستخوش شکاف است ولی گروه‌های موجود در آن از یک سامانه سیاسی و نهادی اعمال اقتدار برخوردارند (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۸۶). مفهوم جامعه چندفرهنگی نشان‌گر یک حقیقت در مورد آن جامعه است و مفهومی هنجاری یا

1- Multicultural Society

ارزش‌گذارانه نیست (آرچرد، ۱۳۹۱: ۱۵۲). کاری که اصطلاح چندفرهنگی می‌کند این نیست که صرفاً احساسی از تفاوت‌ها را ایجاد می‌کند، بلکه با قبول آن تفاوت‌ها به عنوان چیزهای نشئت‌گرفته از یک دل‌بستگی مشترک با اهمیتی که برای فرهنگ‌ها قائل است، تلویحاً نوعی برابری را نیز به یاد می‌آورد (واتسون، ۱۳۸۱: ۱۱).

جامعه چندفرهنگی را می‌توان جامعه‌ای متشکل از اقلیت‌های فرهنگی، نژادی، مذهبی و زبانی مختلف دانست که اعضای آن گروه‌ها در چند ویژگی مشترک‌اند: الف) اعضا دارای خصوصیات منحصر به فرد و مهم فرهنگی مانند دین و زبان هستند که آن‌ها را از دیگران جدا می‌کند. ب) افراد احساس تعلق به یک جمع یا جماعت مشترک دارند. پ) این گروه‌ها در قبال دیگران با موازین و ارزش‌های خود قضاوت می‌کنند و به همین دلیل، در اغلب موارد برتری خود را نتیجه می‌گیرند. ت) افراد عضو چنین گروه‌هایی اکثراً دارای عضویت انتسابی‌اند؛ به این معنا که فرد با تولد در یک گروه عضو آن می‌شود و به سهولت نیز قادر به ترک آن نیست. ث) گاه چنین گروه‌ها و جماعت‌هایی در بخش خاصی از یک سرزمین مستقر بوده و خود را دارای یک سرزمین مشترک می‌دانند از این رو ممکن است درخواست‌هایی مانند استقلال یا خودگردانی را مطرح نمایند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۶۱۲).

در باب رابطه جامعه چندفرهنگی و بحث قومیت باید گفت که برخی از محققان میان جوامع چندفرهنگی و جوامع چندقومی^۱ تمایز قائل می‌شوند، در صورتی که برخی دیگر این دو اصطلاح را مترادف می‌دانند. به‌زعم گروه نخست جوامع چندقومی محصول فرآیندهای طولانی تاریخی‌اند و از همزیستی درازمدت گروه‌های قومی ایجاد شده‌اند، مانند جوامع اروپای شرقی، اما جوامع چندفرهنگی محصول مهاجرت بوده و حالتی موقت و زودگذر دارند و در نهایت به جامعه‌ای یک‌دست بدل می‌شوند، مثل ایالات متحده. در این رویکرد گفته می‌شود برخلاف فرهنگ، واژه قوم به دایره محدودتری از افراد اطلاق می‌شود و بیانگر یک گروه جمعیتی است که دارای یک نام بوده، خود را از یک اصل دانسته و از سنت فرهنگی مشترکی سرچشمه گرفته باشد. سنت فرهنگی که متعلق به یک زبان، سرزمین و یک تاریخ واحد باشد (دیویر، ۱۳۸۶: ۲۵). با این حال از اواسط قرن بیستم

1- Multiethnic

معیارهای فرهنگی در تعریف قوم و قومیت بسیار بیشتر شده است و البته این امر تا حدی تحت تأثیر ورود مطالعات قومی به برخی رشته‌های علوم اجتماعی است. رویکرد دوم، تعریف گروه فرهنگی و گروه قومی را به هم نزدیک می‌کند (احمدی، ۱۳۷۹: ۳۱) و از این منظر گفته می‌شود که جوامع چندفرهنگی و چندقومی را با تسامح به صورتی مترادف می‌توان به کار برد و به دلیل کم‌رنج شدن بحث نژاد در جوامع چندقومی و همچنین غلبه امر فرهنگی، این دست جوامع را نیز در زمره جوامع چندفرهنگی قرار داد. بر این اساس، جوامع چندفرهنگی جوامعی دارای اقلیت‌های مختلف با سبک‌های زندگی و آداب گوناگون هستند؛ یعنی گروهی از اشخاص که به سبب برخی خصوصیات جسمی یا فرهنگی خود با برخوردی متفاوت و متمایز با دیگر اعضای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، مواجه می‌شوند و در نتیجه خود را در معرض نوعی تبعیض جمعی می‌بینند.

شیوه‌های برخورد با جوامع چندفرهنگی

دولت‌های مختلف در طول تاریخ در برابر خواست‌ها و انتظارات اقلیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های موجود در خود، به روش‌های گوناگونی واکنش نشان داده‌اند که می‌توان آن‌ها را به سه دسته کلی: سیاست همسان‌سازی، سیاست کثرت‌گرایانه و سیاست چندفرهنگ‌گرایانه تقسیم‌بندی نمود.

- **همسان‌سازی:** سیاست وحدت و همسان‌سازی از جمله قدیمی‌ترین و البته رایج‌ترین سیاست‌ها در رابطه با جوامع متنوع فرهنگی در طول تاریخ بوده است. این سیاست به دنبال ادغام اقلیت‌ها در جامعه بزرگ‌تر بوده، فرضش بر این است که باید ویژگی‌های متفاوت اقلیت‌ها را با ویژگی‌های اکثریت جایگزین کرد. بر این اساس دولت مقوم زندگی جمعی تلقی و گفته می‌شود این وظیفه و حق اوست که اقلیت‌های فرهنگی را به درون فرهنگ ملی غالب جذب کند. در این دیدگاه اگر اقلیت‌ها می‌خواهند در جمع پذیرفته شوند، باید فرآیند جذب را بپذیرند در غیر این صورت واکنش طبیعی دولت، سرکوب خواهد بود (چمن خواه ۱۳۸۹: ۴۱-۳۹). چنین رویکردی با روش‌های گوناگون می‌کوشد اهداف خود را محقق سازد. به کارگیری ابزارهایی مانند سرودهای ملی، بناهای یادبود، تعطیلات ملی و همچنین نهادهای آموزشی تک فرهنگی که استفاده از آن‌ها به‌ویژه از قرن نوزدهم رایج شد، از جمله این روش‌ها هستند (کریمی، ۱۳۸۵:

۱۰۲). این رویکرد به‌ویژه از اواخر قرن بیستم و با گسترش جنبش حقوق مدنی مورد نقد و پرسش قرار گرفت؛ انتقاداتی که به تدریج سبب تغییر این روند و به چالش گرفته شدن حوزه عمومی از ناحیه حاملان دیگر فرهنگ‌هایی که تا قبل از آن نادیده گرفته شده بودند، شد.

از جمله مهم‌ترین مخالفین همسان‌سازی می‌توان به پارخ^۱ اشاره کرد. به باور او اصولاً هیچ جامعه و فرهنگ یکپارچه و منسجمی وجود ندارد که ما خواهان جذب اقلیت در آن باشیم. به عقیده او اگرچه ساختار فرهنگی جامعه دارای نوعی انسجام درونی است، اما این به‌هیچ‌وجه به معنای یکپارچگی آن نیست. به بیان دیگر به نظر او طرفداران نظریه همانندسازی، فرهنگ ملی را تنها عبارت از فرهنگ گروه مسلط و غالب می‌دانند و دیگر گروه‌ها را نادیده می‌گیرند (چمن‌خواه ۱۳۸۹: ۴۲).

امروزه ناکارآمدی این دیدگاه به اثبات رسیده و این باور به وجود آمده است که راه ایجاد انسجام ملی از سرکوب و نادیده گرفتن گروه‌های اقلیت نمی‌گذرد، بلکه کاملاً برعکس عدالت و سیاست‌های عادلانه در مورد اقلیت‌ها ارتباط نزدیکی با انسجام ملی دارد. به بیان دیگر هرچه گروه‌های محروم و اقلیت‌ها در نتیجه آگاهی از محرومیت نسبی‌شان، مشروعیت توزیع منابع مطلوب را بیشتر زیر سوال برند، امکان بروز ستیز افزایش می‌یابد و هرچه ساخت اجتماعی متصلب‌تر باشد و کانال‌های لازم برای بروز نارضایتی در دسترس نباشد، این ستیز شدیدتر بوده و در نتیجه انسجام ملی بیشتر مورد تهدید قرار می‌گیرد (افروغ، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

- **کثرت‌گرایی**: از دیگر راه‌های برخورد و سیاست‌گذاری در جوامع چندفرهنگی کثرت‌گرایی است. رویکردی که به‌ویژه از نیمه دوم قرن بیستم بیش‌ازپیش مورد توجه و استقبال قرار گرفت و در میان همه مکاتب فکری خصوصاً لیبرالیسم حامیانی دارد. به عنوان نمونه آرای برلین و رز را می‌توان در این دسته قرار داد. در الگوی کثرت‌گرایانه استقلال فرهنگی و ساختاری گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی حفظ و تفاوت‌ها نیز بر اساس قومیت و فرهنگ برای هویت‌های گروهی مختلف در نظر گرفته شده است. به بیان دیگر در این رویکرد برابری قومی اصل است و از این رو تلاش می‌شود

1- Parekh
2- Pluralism

تحلیل بی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان.....

تفاوت‌های قومی و فرهنگی در یک سامان سیاسی و اقتصادی واحد کاهش یابد. به باور کثرت‌گرایان، باید از شر سایه سنگین علم‌زدگی و عقل‌گرایی روشنگری که ارزش‌های معدودی را به رسمیت می‌شناسد، رها شد و افق‌های سیاسی ضد آرمان‌شهری را انتخاب و دنبال نمود؛ زیرا در نظر گرفتن یک آرمان‌شهر و تلاش برای تحقق آن سرکوب ارزش‌هایی را به دنبال دارد که به نظر می‌رسد با آن آرمان‌نهایی مغایرت دارند (مک‌لنن، ۱۳۸۱: ۸).

چندفرهنگ‌گرایی: چندفرهنگ‌گرایی در بعد توصیفی خود به گوناگونی فرهنگی برآمده از زندگی در جامعه‌ای اشاره می‌کند که از دو یا چند گروه تشکیل شده و باورها و اقدامات آن‌ها معنایی متفاوت از هویت جمعی را در خود دارد. در این معنا چندفرهنگ‌گرایی همیشه در جهت بیان گوناگونی اجتماعی که از تفاوت‌های نژادی، قومی یا زبانی ناشی می‌شود، عمل می‌کند؛ اما همین مفهوم هنگامی که در معنای هنجاری خود به کار می‌رود بر تأیید گوناگونی اجتماعی دلالت دارد. در این معنا چندفرهنگ‌گرایی مؤید اهمیت باورها، ارزش‌ها و راه‌های متفاوت زندگی در برقراری خودفهمی و معنایی از خود ارزشی برای افراد و گروه‌ها است (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۷۶). همچنین می‌توان چندفرهنگ‌گرایی را در حد یک ایدئولوژی یا صرفاً در حد مجموعه‌ای از سیاست‌ها تعریف نمود. در سطح ایدئولوژی این اصطلاح شامل موضوعاتی است که به پذیرش گروه‌های قومی، مذهبی، دستجات فرهنگی و تنوع زبانی در درون جامعه متکثر دلالت دارد، اما در سطح سیاست شامل سیاست‌های رسمی دولت با هدف ساخت دادن به روابط دولت و اقلیت‌های قومی و حفاظت از انسجام و همگرایی بین گروه‌های قومی است (کریمی، ۱۳۸۵: ۹۸) در پژوهش حاضر چندفرهنگ‌گرایی به عنوان مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای برخورد عادلانه با اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است؛ به معنایی که جان رکز^۱ در مورد آن می‌گوید: «باید بی‌آنکه وحدت کلی جامعه بی‌جهت تهدید شود، به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌های موجود امکان‌پذیر باشد، حقوقی مانند امکان تکلم به زبان مادری در خانواده و جامعه... حفظ آداب و رسوم اجتماعی و مشترکشان (میلز و براویت، ۱۳۸۵: ۲۰۱).

1- J. Rex

اما سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایانه هم یک‌دست نیستند و آن‌ها را می‌توان به دو دسته سیاست‌های مبتنی بر «تفاوت» و سیاست‌های مبتنی بر «شناسایی» تقسیم‌بندی نمود.

الف - سیاست‌های مبتنی بر تفاوت: ریشه‌های فلسفی این دست سیاست‌ها را می‌توان تا دوره سوفسطائیان دنبال کرد؛ سیاست‌هایی که اکنون به شکل یک نظریه مجزا در اندیشه متفکران پست‌مدرن و توسط متفکران منتسب به این شیوه تفکر به عنوان راه‌حل عادلانه برخورد با اقلیت‌ها در جوامع چندفرهنگی پیشنهاد می‌شود. بر این اساس هویت اساساً امری اجتماعی است، زیرا اولاً ما در رابطه با دیگران هویت می‌یابیم و ثانیاً آنچه برای هویت ما مهم است معمولاً به لحاظ اجتماعی تعریف می‌شود. در این نگاه فرهنگ‌های اقلیت و اکثریت وارد نوعی دیالوگ می‌شوند و نتیجه اصلاح متقابل گروه‌هایی است که ذاتاً بی‌ثبات و همواره به روی دگردیسی و دگرگونی باز هستند (انصاری و ضیمری، ۱۳۸۹: ۲۴). در سیاست‌های مبتنی بر تفاوت معمولاً به پدیده چندفرهنگی نیز به عنوان ظرفیتی فرهنگی که می‌تواند توانایی عام انسان‌ها برای خلق ارزش‌های جدید از دل فرهنگ‌ها و هویت‌های متعدد را به منصفه ظهور بگذارد نگاه می‌شود (شایگان، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۱).

ب - سیاست‌های مبتنی بر شناسایی: این دسته از سیاست‌ها که به طور خاص در اندیشه‌های فلسفی جماعت‌گرایانی چون سندل، والزر و تیلور نمود بسیاری دارند، معتقدند از آنجایی که بخش مهمی از هویت انسان و حتی توان او برای خودمختاری در درون جماعت‌ها و گروه‌هایی که به آن‌ها تعلق دارد شکل می‌گیرد، شناسایی این دسته از جماعت‌ها و هویت‌ها برای او بسیار با اهمیت است. این رویکرد می‌پذیرد که افراد به دلیل عضویت در گروه‌ها و جماعت‌های مختلف دارای ارزش‌ها و فرهنگ خاص خود هستند و خیر خود را در آن راستا تفسیر می‌کنند. بنابراین تحمیل هر سبک زندگی بر آن‌ها - حتی اگر از دید ما بهترین شیوه ممکن زندگی باشد - به معنای دور کردن آن‌ها از خیر و هویت خویش است (نجف‌پور، ۱۳۹۲: ۷۲-۷۳).

اگرچه هر دو رویکرد کثرت‌گرا و چندفرهنگی‌گرا وجود تفاوت در جامعه را می‌پذیرند، اما رویکرد چندفرهنگ‌گرا در مقایسه با رویکرد کثرت‌گرا اهمیت بیشتری به مسئله فرهنگ و تأثیر آن در نوع تفکر و انتخاب‌های صورت گرفته توسط انسان می‌دهد و تنوع دیدگاه‌ها و فرهنگ‌ها را تنها به مانند واقعیتی که باید برای آن چاره‌ای اندیشید،

تحلیل بی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان.....

نمی‌نگرد، بلکه آن‌ها را مورد تکریم نیز قرار می‌دهد.

نقدهای وارد بر سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایانه

از جمله مهم‌ترین انتقاداتی که نسبت به چندفرهنگ‌گرایی وجود دارد به عواقب و تبعات آن در عرصه سیاست عمومی و تحت تأثیر قرار دادن ثبات و انسجام جوامع باز می‌گردد. بر این اساس، پذیرش چندفرهنگ‌گرایی و حمایت رسمی از تنوع قومی، فرهنگی یا دینی ممکن است باعث کاهش قدرت سیاسی و در نتیجه شدت گرفتن اختلاف‌ها میان اقلیت‌ها و در نهایت افول و اضمحلال جامعه گردد. به بیان دیگر حق اقلیت‌ها با مفهوم دموکراتیک برابری قانون منافات دارد و باعث تسهیل شکل‌گیری گروه‌های متخاصم می‌شود و به این ترتیب با تبدیل جامعه به جامعه‌ای رسوبی دموکراسی را در معرض تهدیدی جدی قرار می‌دهد (ارمه، ۱۳۷۶: ۸۹).

از نظر مخالفین چندفرهنگ‌گرایی، این رویکرد به شدت شهروندی عام‌گرا را تهدید کرده و توان شهروندان را در ایفای مسئولیت‌های دموکراتیک شهروندی‌شان دچار فرسایش می‌کند و در نتیجه قابلیت و ظرفیت آنان را برای برقراری ارتباط متقابل، اعتماد به دیگران، همکاری با آن‌ها و ارتقای احساس همبستگی بین گروه‌های مختلف کاهش می‌دهد. کاری که سیاست‌های چندفرهنگی گرایانه در عمل انجام می‌دهند عبارت است از اقلیت‌سازی از افراد و قرار دادن آن‌ها در شرایطی برای برخورد نابرابر (رکس، ۱۳۸۰: ۲۴). ریچارد برنستون^۱ نیز چندفرهنگ‌گرایی را تحت عنوان جاه‌طلبی سیاسی^۲ توصیف می‌کند که طی آن فرآیند بنیان‌های فردگرایی تضعیف شده و بنیان‌های جامعه مورد تهدید قرار می‌گیرد زیرا افراد فاصله‌ای را با هویت ملی خود در نظر می‌گیرند (Eller, 1997: 251).

برخی دیگر از منتقدان نیز ایرادات مبنایی‌تری به این مفهوم وارد می‌دانند. آن‌ها رویکردهای چندفرهنگ‌گرایی را با نوعی جوهرانگاری فرهنگی^۳ برابر می‌دانند، زیرا در چندفرهنگ‌گرایی اعضای گروه‌های مختلف بر اساس معیارهای کامل همیشگی و طبیعی شناسایی می‌شوند (Eller, 1997: 250). به بیان دیگر، چندفرهنگ‌باوری بر فرض ثبات و تغییرناپذیری فرهنگ و گروه‌های فرهنگی استوار شده اما نه همه هویت‌های فرهنگی از

1- Richard Bernstein

2- Political Ambition

3- Cultural Essentialism

آن نوع‌اند که هویت متمایز خود را حفظ کنند و نه به دلیل تغییر مستمر از ثبات برخوردارند. در حقیقت هویت‌های فرهنگی لزوماً ثابت نیستند که مجموعه‌ای از هنجارها، قواعد و مدل‌های رفتاری را در قبال کسانی که بر آن اعمال می‌شوند خلق نمایند.

از سوی دیگر برداشت و تعریف چندفرهنگ‌گرایان از اقلیت نیز مورد انتقاد است؛ زیرا در متن چند فرهنگ‌گرایی این فرض نهفته است که کلیه اعضا و حامیان هر فرهنگ خاص به نسبتی مساوی به آن تعلق دارند. چندفرهنگ‌گرایی اعضای فرهنگ اقلیت را بسیار متجانس نشان می‌دهد، این در حالی است که بسیاری از اوقات اعضای فرهنگ‌های اقلیت نیز درجات متفاوتی از التزام به فرهنگ خاص خود و انشقاق و پراکندگی در موضع‌گیری و الگوهای متفاوت رفتاری در برابر فرهنگ و گروه مسلط را به نمایش می‌گذارند (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۰۴). ترنس ترنر در این رابطه علی‌رغم پذیرش بخشی از ادعاهای مبتنی بر چندفرهنگ‌گرایی معتقد است که چندفرهنگ‌گرایی در شکل افراطی خود به نوعی سیاست هویتی تبدیل می‌شود که در آن مفهوم فرهنگ قهراً با هویت قومی یا زبانی بسیار محدودی مشتبه می‌شود. این موضوع دو زیان عمده را به دنبال دارد. نخست اینکه ذات و جوهر مفهوم فرهنگ را اصالت بخشیده و با تأکید مفرط بر محدوده‌ها و تمایزات خاص یک فرهنگ نسبت به دیگر فرهنگ‌ها آن را شیء‌واره می‌کند و دوم اینکه به تجانس این فرهنگ بیش از حد تعمیم بخشیده و از آن بت می‌سازد و به این طریق آن را از دسترس تحلیل‌های نقادانه خارج می‌گرداند.

دسته‌ای از منتقدان چندفرهنگ‌گرایی که می‌توان آن‌ها را منتقدان رادیکال نامید، به این مفهوم به چشم نوعی استراتژی مهار و پیشگیری می‌نگرند، زیرا چندفرهنگ‌گرایی اگرچه تنوع فرهنگی را به رسمیت می‌شناسد، اما در چارچوب ارزش‌ها و نهادهای فراگیر و پیش‌ساخته‌ای که به طور سنتی حامی سیاست‌های سرکوب‌گرایانه و تبعیض‌آمیز بوده قرار می‌گیرد. بر این اساس خصلت ذاتی جامعه و فرهنگ عبارت است از انواع تقسیم‌بندی مبتنی بر طبقه، جنسیت، نژاد و غیره. تقسیم‌بندی‌هایی که هر قدر متکثر باشند باز هم به دست تعابیر یکدست و یکنواخت فرهنگ سرکوب می‌شوند (میلز و براویت، ۱۳۸۵: ۲۰۲). به‌عنوان مثال، برایان فی شعار «تفاوت را بشناس و ارج بنه» چندفرهنگ‌گرایان را شعاری بسیار محدودکننده و ایستا تلقی می‌کند و معتقد است

شعارهایی مانند «درگیر شو، بپرس و بیاموز» بهتر خصلت پویای فرهنگ و همچنین خصلت هم‌افزای تعامل چندفرهنگی اصیل را می‌نمایاند (فی، ۱۳۸۶: ۴۱۵-۴۱۶).
با نظر به این رویکردهای مختلف در خصوص چندفرهنگ‌گرایی و اثرات آن، در چارچوب مسئله اصلی تحقیق می‌کوشیم بدون این که از جهت نظری به نقد یا جانب‌داری از رویکردهای چندفرهنگ‌گرا یا منتقدان آن‌ها بپردازیم، آثار سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایانه در عرصه عمل در ایران را بررسی و تحلیل کنیم و آنگاه در بخش نتیجه با نظر به یافته‌های میدانی، به ارزیابی بهتری از نظریه‌های چندفرهنگ‌گرا و نقدهای آن‌ها برسیم.

فرضیه‌ها

در جهت ارزیابی و سنجش اثر سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایانه در ایران، فرضیه‌های زیر را متناسب با نقدهای مطرح شده در مورد اثرهای چندفرهنگ‌گرایی طراحی نموده و مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. تأیید فرضیه‌ها، تأیید نقدها و اثر نامطلوب چندفرهنگ‌گرایی خواهد بود و رد آن‌ها، به معنای اثر مثبت چندفرهنگ‌گرایی و به رسمیت شناختن سیاست‌های تنوع‌قومی است.

فرضیه ۱: چندفرهنگ‌گرایی باعث کاهش احساس هویت ملی در میان اعضای فرهنگ اقلیت می‌شود.

فرضیه ۲: چند فرهنگ‌گرایی باعث افزایش توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ خود می‌شود.

فرضیه ۳: چند فرهنگ‌گرایی باعث افزایش اختلافات فرهنگی میان گروه‌های اقلیت می‌شود.

فرضیه ۴: چند فرهنگ‌گرایی باعث کاهش همبستگی اجتماعی میان گروه‌های اقلیت می‌شود.

فرضیه ۵: چند فرهنگ‌گرایی باعث کاهش التزام شهروندان به ایفای مسئولیت‌های دموکراتیک شهروندی‌شان می‌شود.

فرضیه ۶: چند فرهنگ‌گرایی باعث کاهش توجه به تکثر درونی اعضای فرهنگ اقلیت می‌شود.

۳. روش پژوهش

مطالعه حاضر، به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی، به لحاظ معیار زمان، مقطعی، به لحاظ معیار کاربرد، کاربردی و به لحاظ معیار ژرفایی، پنهانگر است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از روش کمی پیمایشی و ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جهت اعتبار محتوایی پرسشنامه تلاش شد گویه های مورد آزمون با توجه به چارچوب نظری و ادبیات تحقیق طراحی گردد و تعداد گویه ها نیز کافی باشد. از دو دسته آمارهای توصیفی (شاخص های مرکزی و پراکندگی) و آمارهای استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره) برای تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده اند. برای سنجش اعتبار پژوهش از اعتبار سازه و برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری انجام گردید تا پراکندگی صفت مورد مطالعه (سیاست چند فرهنگی، هویت ملی، اختلاف اقلیت ها، مسئولیت های دموکراتیک شهروندی، توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ خود، توجه تکثر درونی، همبستگی اجتماعی) مشخص گردد و سپس با استفاده از فرمول کوکران^۱ با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه ۳۷۵ نفر تعیین گردید.

جدول ۱- تعداد سوالات متغیرهای مستقل و وابسته و آلفای کرونباخ

متغیرها	نوع مقیاس	تعداد گویه ها	آلفای کرونباخ
چندفرهنگ گرایی	لیکرت	۲۰	۰/۷۳
همبستگی اجتماعی	لیکرت	۵	۰/۷۶
اختلاف ها میان اقلیت ها	لیکرت	۵	۰/۸۲
مسئولیت های شهروندی	لیکرت	۵	۰/۷۶
تکثر درونی	لیکرت	۵	۰/۷۴
توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ خود	لیکرت	۵	۰/۷۸
هویت ملی	لیکرت	۵	۰/۸۰
تحصیلات	بسته	۱	-

1- Cochran

تحلیل بی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان.....

جنسیت	بسته	۱	-
قومیت	بسته	۱	-
سن	باز	۱	-
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	بسته	۱	-

با توجه به این که مقدار آلفای هر هفت متغیر مذکور بالاتر از $0/7$ بوده، می‌توان گفت همبستگی درونی گویه‌ها بالا و به عبارت دیگر ابزار تحقیق از پایایی مطلوبی برخوردار بوده است.

۴. تحلیل تجربی

یافته‌های توصیفی

از مجموع ۳۷۵ پاسخگوی این تحقیق، ۵۲ درصد را مردان ۴۸ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. دامنه سنی پاسخگویان بین ۱۸ تا ۷۰ سال بوده است. همچنین یافته‌ها نشان داد ۴۹/۱۳ درصد از پاسخگویان بین ۱۸ تا ۳۰ سال، ۱۸/۳۳ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۱۲/۶ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۵/۴ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ سال و ۴/۵۳ درصد ۶۱ سال و بیشتر سن داشتند.

جدول ۲- توزیع ویژگی‌های پاسخگویان تحقیق

جنس	تعداد	درصد	وضع تأهل	تعداد	درصد	سن
مرد	۱۹۵	۵۲/۰	مجرد	۱۱۰	۲۹/۳۳	حد اقل ۱۸
زن	۱۸۰	۴۸/۰	متاهل	۲۶۵	۷۰/۶۶	حداکثر ۷۰

جدول ۳- توزیع ویژگی‌های پاسخگویان تحقیق برحسب قومیت

قومیت	تعداد	درصد
عرب	۹۳	۲۴/۸
فارس	۸۶	۲۲/۹۳
لر	۸۲	۲۱/۸۶
شوشتری	۳۹	۱۰/۴
دزفولی	۵۷	۱۵/۲
سایر	۱۸	۴/۸
جمع کل	۳۷۵	۱۰۰/۰

همان گونه که در جدول فوق آمده است، ۹۳ نفر (۲۴/۸ درصد) پاسخگویان عرب، ۸۶ (۲۲/۹۳ درصد) فارس، ۸۲ (۲۱/۸۶ درصد) لر، ۳۹ (۱۰/۴ درصد) شوشتری، ۵۷ نفر (۱۵/۲ درصد) دزفولی و ۱۸ نفر (۱۵/۲ درصد) از اقوام دیگر بودند.

جدول ۴- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان تحصیلات و وضعیت اقتصادی اجتماعی

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد
بی سواد	۳۱	۸/۲۶
ابتدایی	۵۲	۱۳/۸۶
راهنمایی	۶۳	۱۶/۸
دبیرستان	۱۳۴	۳۵/۷۳
دانشگاهی	۹۵	۲۵/۳۳
جمع	۳۷۵	۱۰۰
میزان وضعیت اقتصادی و اجتماعی	فراوانی	درصد
پایین	۸۹	۲۳/۷۳
متوسط	۱۷۴	۴۶/۴
بالا	۱۱۲	۲۹/۸۶
جمع	۳۷۵	۱۰۰

همان گونه که در جدول فوق آمده است، در مجموع ۸/۲۶ درصد از پاسخگویان بی سواد، ۱۳/۸۶ درصد تحصیلاتی در سطح ابتدایی، ۱۶/۸ راهنمایی، ۳۵/۷۳ درصد دبیرستان و ۲۵/۳۳ درصد تحصیلاتی در سطح دانشگاهی دارند. از طرفی ۲۳/۷۳ درصد از پاسخگویان وضعیت اقتصادی- اجتماعی در سطح پایین، ۴۶/۴ درصد متوسط، ۲۹/۸۶ درصد وضعیت اقتصادی در سطح بالایی دارند.

یافته‌های استنباطی

خروجی آزمون تی برای مقایسه میانگین میزان چندفرهنگ‌گرایی پاسخگویان برحسب جنسیت و وضعیت تأهل نشان می‌دهد که میانگین چندفرهنگ‌گرایی در نمونه مورد بررسی در بین پاسخگویان مرد برابر (۳۱۲/۷۵) و در بین زنان برابر (۳۵۳/۵۰) شده است. تی محاسبه شده برای جدول مزبور برابر (۳/۰۴) شده است که از مقدار تی جدول با در نظر گرفتن پنج درصد خطا بیشتر است (sig=۰/۰۰۵) لذا می‌توان تفاوت بین

تحلیل بی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان.....

پاسخگویان مرد و زن به لحاظ میزان چندفرهنگ‌گرایی را پذیرفت. از طرفی خروجی این آزمون نشان می‌دهد که میانگین میزان چندفرهنگ‌گرایی در نمونه مورد بررسی در بین پاسخگویان مجرد برابر (۳۰۲/۸۳) و در بین پاسخگویان متأهل برابر (۳۱۲/۵۸) شده است. تی محاسبه شده برای جدول مزبور برابر (۰/۹۲۵-) می‌باشد که از مقدار تی جدول با در نظر گرفتن پنج درصد خطا کمتر است (sig=۰/۵۲۰) لذا نمی‌توان فرضیه وجود تفاوت بین پاسخگویان مجرد و متأهل به لحاظ چندفرهنگ‌گرایی را پذیرفت و این فرضیه تأیید نمی‌شود.

جدول ۵- آزمون تی برای مقایسه میانگین میزان چندفرهنگ‌گرایی پاسخگویان

برحسب جنسیت و وضعیت تأهل

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری دو سویه
جنس	مرد	۱۹۵	۳۱۲/۷۵	۳۶/۸۴	۳/۰۴	۳۷۵	۰/۰۰۵
	زن	۱۸۰	۳۵۳/۵۰	۳۶/۲۳			
وضعیت تأهل	مجرد	۱۱۰	۳۰۲/۸۳	۳۶/۹۶۵	-۰/۹۲۵	۳۷۵	۰/۵۲۰
	متأهل	۲۶۵	۳۱۲/۵۸	۳۶/۷۶۵			

فرضیه (۱): چندفرهنگ‌گرایی باعث کاهش احساس هویت ملی در میان اعضای فرهنگ اقلیت می‌شود.

با توجه به این که هر دو متغیر این فرضیه (چندفرهنگ‌گرایی و هویت ملی) در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند و از توزیع نرمال برخوردار هستند، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده است که خروجی آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۶- خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه چندفرهنگ‌گرایی با هویت ملی

متغیر	هویت ملی		
	R	p	تعداد
چندفرهنگ‌گرایی	۰/۴۵۱**	۰/۰۰۰	۳۷۵

** P<.01 *P<.05

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، رابطه معنی‌دار و مستقیمی بین میزان چندفرهنگ‌گرایی با ضریب پیرسون (r=۰/۴۵۱) و سطح معنی‌داری (sig=۰/۰۰۰) با

کاهش سطح هویت ملی وجود دارد. به این معنی که هر چه میزان چندفرهنگ گرایی افزایش می‌یابد، میزان کاهش سطح هویت ملی افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین فرضیه شماره ۱ مبنی بر این که چندفرهنگ گرایی باعث کاهش سطح هویت ملی می‌شود، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

فرضیه (۲): چند فرهنگ گرایی باعث افزایش توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ خود می‌شود.

با توجه به این که هر دو متغیر این فرضیه (چند فرهنگ گرایی و توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ خود) در سطح فاصله‌ای اندازه گیری شده‌اند و از توزیع نرمال برخوردار هستند، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده است که خروجی آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۷- خروجی ضریب همبستگی برای آزمون چند فرهنگ گرایی و توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ خود

توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ خود			متغیر
تعداد	p	R	
۳۷۵	۰/۱۲۰	۰/۰۴۸	چند فرهنگ گرایی

همان گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، رابطه معنی‌دار بین میزان چند فرهنگ گرایی با ضریب پیرسون ($r=0/048$) و سطح معنی‌داری ($sig=0/120$) با میزان توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ خود، وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۲ مبنی بر این که چند فرهنگ گرایی باعث افزایش توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ خود می‌شود، مورد تأیید واقع نمی‌شود.

فرضیه (۳): چند فرهنگ گرایی باعث افزایش اختلافات فرهنگی میان گروه‌های اقلیت می‌شود.

با توجه به این که هر دو متغیر این فرضیه (چندفرهنگ گرایی و اختلاف‌ها میان اقلیت‌ها) در سطح فاصله‌ای اندازه گیری شده‌اند و از توزیع نرمال برخوردار هستند، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده است که خروجی آن در جدول صفحه بعد نشان داده شده است:

تحلیل بی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان.....

جدول ۸- خروجی ضریب همبستگی برای آزمون چندفرهنگ‌گرایی و اختلاف‌ها میان اقلیت‌ها

اختلاف‌ها میان اقلیت‌ها			متغیر
تعداد	p	R	
۳۷۵	۰/۰۰۰	۰/۶۴۱**	چندفرهنگ‌گرایی

** P<.01 *P<.05

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، رابطه معنی‌دار و مستقیمی بین میزان چندفرهنگ‌گرایی با ضریب پیرسون ($r=۰/۶۴۱$) و سطح معنی‌داری ($sig=۰/۰۰۰$) با میزان اختلاف‌ها میان اقلیت‌ها وجود دارد. به این معنی که هرچه میزان چندفرهنگ‌گرایی افزایش یابد، میزان اختلاف‌ها میان اقلیت‌ها افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین فرضیه شماره ۳ مبنی بر این که چندفرهنگ‌گرایی با اختلاف‌ها میان اقلیت‌ها را افزایش می‌دهد، تأیید می‌شود.

فرضیه (۴): چند فرهنگ‌گرایی باعث کاهش همبستگی اجتماعی میان گروه‌های اقلیت می‌شود.

با توجه به این که هر دو متغیر این فرضیه (چندفرهنگ‌گرایی و همبستگی اجتماعی) در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند و از توزیع نرمال برخوردار هستند، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده است که خروجی آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۹- خروجی ضریب همبستگی برای آزمون چندفرهنگ‌گرایی و همبستگی اجتماعی

همبستگی اجتماعی			متغیر
تعداد	p	R	
۳۷۵	۰/۰۰۰	۰۰/۳۴۵**	چندفرهنگ‌گرایی

** P<.01 *P<.05

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، رابطه معنی‌دار و معکوسی بین میزان چندفرهنگ‌گرایی با ضریب پیرسون ($r=۰/۳۴۵$) و سطح معنی‌داری ($sig=۰/۰۰۰$) با میزان همبستگی اجتماعی وجود دارد. به این معنی که هرچه میزان چندفرهنگ‌گرایی افزایش یابد، میزان همبستگی اجتماعی کاهش پیدا می‌کند؛ بنابراین فرضیه شماره ۴ مبنی

بر این که چند فرهنگ گرای همبستگی اجتماعی را کاهش می دهد، تأیید می شود. فرضیه (۵): چند فرهنگ گرای باعث کاهش التزام شهروندان به ایفای مسئولیت های دموکراتیک شهروندی شان می شود.

با توجه به این که هر دو متغیر این فرضیه (چند فرهنگ گرای و ایفای مسئولیت های شهروندی) در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند و از توزیع نرمال برخوردار هستند، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده است که خروجی آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱۰- خروجی ضریب همبستگی برای آزمون چند فرهنگ گرای و ایفای مسئولیت های شهروندی

متغیر	ایفای مسئولیت های شهروندی		
	R	p	تعداد
چند فرهنگ گرای	۰/۰۳۷	۰/۳۱۲	۳۷۵

همان گونه که در جدول بالا ملاحظه می شود، رابطه معنی دار بین میزان چند فرهنگ گرای با توجه به سطح معنی داری ($sig=0/312$) با میزان ایفای مسئولیت های شهروندی وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۵ مبنی بر این که چند فرهنگ گرای ایفای مسئولیت های دموکراتیک شهروندی شان را کاهش می دهد، تأیید نمی شود.

فرضیه (۶): چند فرهنگ گرای باعث کاهش توجه به تکثر درونی اعضای فرهنگ اقلیت می شود.

با توجه به این که هر دو متغیر این فرضیه (چند فرهنگ گرای و تکثر درونی اعضای فرهنگ اقلیت) در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند و از توزیع نرمال برخوردار هستند، از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده است که خروجی آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۱۱- خروجی ضریب همبستگی برای آزمون چند فرهنگ گرای و تکثر درونی اعضای فرهنگ اقلیت

متغیر	تکثر درونی اعضای فرهنگ اقلیت		
	R	p	تعداد
چند فرهنگ گرای	۰/۰۸۲	۰/۵۴۳	۳۷۵

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، رابطه معنی‌دار بین میزان با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0/543$) با میزان تکثر درونی اعضای فرهنگ اقلیت وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه شماره ۶ مبنی بر این که چند فرهنگ‌گرایی باعث کاهش توجه تکثر درونی اعضای فرهنگ اقلیت می‌شود، تأیید نمی‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در جهان امروز سخن گفتن از جوامع یکپارچه امری نزدیک به محال است و انگاره «فرهنگ خالص» و یکپارچه که در برابر دیگران و تأثیر پذیرفتن از آن‌ها مقاومت می‌کند، به افسانه بدل شده است. تنوع فرهنگی برآمده از ظرفیت درونی انسان‌ها برای ساخت‌وساز مبتکرانه بر بستر میراث فرهنگی گذشتگان است و از این رهگذر، تنوعی بی‌کران در نحوه زندگی‌شان ایجاد می‌شود. سازمان جهانی یونسکو تنوع فرهنگی در جهان را رو به گسترش توصیف و به عنوان میراث مشترک بشریت معرفی نموده است که منشأ ابداع، مبادله و خلاقیت انسان‌ها است: «در جوامع ما که تنوع فرهنگی رو به فزونی است، تضمین تعامل موزون و تمایل به همزیستی میان ملت‌ها و گروه‌های دارای هویت‌های فرهنگی بسیار متنوع ضروری است. اتخاذ سیاست‌هایی برای مشارکت و دخالت شهروندان، ضامن انسجام اجتماعی، سرزندگی جامعه مدنی و صلح است...» (یونسکو، ۱۳۸۴: ۶۵). چنین انگاره‌های عمیقی در باب تنوع فرهنگی و به رسمیت شناختن آن، از سویی بر سازنده پارادایمی گسترده در باب مسئله چندفرهنگی و تنوع قومی است و از سوی دیگر، آن پارادایم و نظریه‌های درون آن، خود سامان‌بخش سیاست‌ها و رویکردها در مدیریت و برنامه‌ریزی‌ها در جوامع هستند.

با این که نظریه‌های چندفرهنگی و نظریه‌پردازان این حوزه خود متنوع و صاحب انگاره‌های متعدد و متفاوت هستند، اما در کلیت و مبانی انگاره‌های آنان وجوه مشترکی وجود دارد که منتقدان با انگشت نهادن بر آن‌ها، مبانی فکری اینان را به چالش کشیده و کارآمدی سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایانه در جوامع چندفرهنگی را با تردید مواجه می‌سازند. از این روی کارآمدی و کیفیت اثرگذاری سیاست‌های چندفرهنگی و اصل چندفرهنگ‌گرایی به تأمل و بررسی دقیق‌تر در عرصه عمل نیاز دارد. علاوه بر این، آن سیاست‌ها و الگوهای فکری و نظری‌ای که برای ارتباطات و زندگی بهتر و سازگارانه‌تر

اقلیت‌ها و نیز همبستگی در جوامع چندفرهنگی دیگر ارائه شده‌اند، در مورد ایران و گروه‌های اقلیت فرهنگی مختلف آن به مثابه جامعه‌ای با ویژگی‌های خاص و متفاوت از جوامع دیگر، نیازمند نوعی ارزیابی میدانی و بوم‌گرایانه است. در این تحقیق این ارزیابی را با تمرکز بر نقدهای ارائه شده در مورد اثرات چندفرهنگ‌گرایی صورت دادیم.

یافته‌هایمان نشان می‌دهد این نقد که چندفرهنگ‌گرایی موجب تشدید اختلافات میان اقوام و گروه‌های اقلیت فرهنگی کشور می‌شود و آنان را درون‌گرا و از همبستگی و هویت یکپارچه ملی دور می‌سازد، شایسته تأمل و توجه جدی است. در این تحقیق در رابطه با این نقد ۴ فرضیه را مورد آزمون قرار دادیم که ۳ مورد آن تأیید شد (فرضیه ۱، ۳ و ۴)؛ به این صورت که یافته‌های آماری نشان دادند: الف- چندفرهنگ‌گرایی باعث کاهش احساس هویت ملی در میان اعضای فرهنگ اقلیت می‌شود؛ ب- چند فرهنگ‌گرایی باعث افزایش اختلافات فرهنگی میان گروه‌های اقلیت می‌شود و ج- چند فرهنگ‌گرایی باعث کاهش همبستگی اجتماعی میان گروه‌های اقلیت می‌شود. این سه گزاره تأیید می‌کنند که اتخاذ سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایانه در جامعه ایران- دست کم کلان‌شهر چندفرهنگی مورد بررسی یعنی اهواز- نه تنها به همگرایی، انسجام، تقلیل منازعات، سازگاری و اهداف این‌چنینی مورد نظر سیاست‌گذاران نخواهد انجامید، بلکه شکاف و فاصله‌ها و ناسازگاری‌ها را تشدید خواهد کرد. البته فرضیه دوم در این حوزه تأیید نشد و معنای آن این است که چند فرهنگ‌گرایی لزوماً باعث افزایش توجه اعضای فرهنگ اقلیت به فرهنگ گروه خودی آن‌ها نمی‌شود. رد این فرضیه از جهتی با سه مورد قبلی ناهم‌سو می‌نماید و درحالی‌که سه مورد اول ناکامی و نادرستی رویکردهای چندفرهنگ‌گرایانه در ایران را تأیید می‌کنند، این مورد دست کم این ناکامی را تأیید نمی‌کند؛ اگرچه نشانی از کامیابی و اثرگذاری مثبت نیز در آن نیست و نمی‌توان چنین چیزی از آن استنباط نمود.

رد فرضیه ۵ مبنی بر این که «چند فرهنگ‌گرایی باعث کاهش التزام شهروندان به ایفای مسئولیت‌های دموکراتیک شهروندی‌شان می‌شود» به نوعی همسو با اثر این رویکرد در مورد فرضیه‌های ۱، ۳ و ۴ نیست و در ارتباط مستقیم با آن یافته‌ها نیست و می‌توان آن را چنین تفسیر کرد که: چندفرهنگ‌گرایی گروه‌های اقلیت را از حس هویت و تعلق ملی دور می‌کند، همبستگی اجتماعی آنان را کاهش می‌دهد و اختلافات میان

گروه‌ها را تشدید می‌کند اما در عین حال پای‌بندی و احساس مسئولیت در خصوص وظایف دموکراتیک شهروندی که به هویت ملی و جمعی برمی‌گردد را تقلیل نمی‌دهد. این یافته را می‌توان نشان از آگاهی ملی و آگاهی از وظایف جمعی و اهمیت آن در میان گروه‌های مختلف قلمداد نمود.

بخشی از نقدهای وارد به چندفرهنگ‌گرایی به نادیده گرفتن تکثر درونی گروه‌های مختلف، انشقاق و پراکندگی افراد و رویکردهای درونی آن‌ها برمی‌گردد که از دید منتقدان به پی‌آمدها و نتایج دیگری همچون بدل شدن چندفرهنگ‌گرایی به یک سیاست هویتی خاص و در نهایت متمایل به سرکوب و تبعیض، می‌انجامد. در این حالت، عدم تأیید این فرضیه که «چند فرهنگ‌گرایی باعث کاهش توجه به تکثر درونی اعضای فرهنگ اقلیت می‌شود» تا حدی این نقد که گرایش چندفرهنگ‌گرایان به تقلیل‌گرایی تکثر درونی گروه‌ها و احتمالاً کلی‌نگری و ساده‌انگاری آنان می‌انجامد را رد می‌کند.

در نهایت، با جمع‌بندی یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت: به نظر می‌رسد سیاست‌های چندفرهنگی و تنوع قومی در ایران به همبستگی و تقویت هویت ملی و کاهش اختلافات فرهنگی میان گروه‌های قومی و فرهنگی مختلف منجر نمی‌شود و در جهت مخالف این اهداف عمل می‌کند. این گرایش و سیاست‌های تنوع‌گرایانه اما در عین حال، التزام و پای‌بندی شهروندان به مسئولیت‌های شهروندی‌شان را تضعیف نمی‌کند. با نظر به این یافته مهم که نشان از تقویت و رشد یافتگی آگاهی از مقوله مدرن شهروندی و حقوق و تکالیف آن دارد و در شرایطی که چندفرهنگ‌گرایی در عین حال به افزایش تعلق خاطر و گرایش اقلیت‌ها به فرهنگ خودی نیز نمی‌شود، می‌توان این امکان را بررسی نمود که شاید رویکرد مناسب‌تر در مورد جامعه چندفرهنگی و چندقومی ایرانی، تأکید بر هویت جمعی مشترک و ملی بدون رد و انکار یا در مقابل تبلیغ و تقویت و ترویج رسمی هویت‌های گروهی و قومی باشد تا با رهایی از آثار سوء سیاست‌های تنوع قومی و فرهنگی، به سوی تقویت هویت ملی مشترک بر مدار شهروندی عام و ملی‌گرا سوق و کمال یابد. این گزاره در چارچوب این باور که ایران و ایرانیان واجد نوعی دیرینگی در هویت ملی هستند و ایران وحدت در کثرتی کهن بوده و هست و این بارزه آن را از دیگر جوامع چندفرهنگی متمایز می‌سازد، قابل تحلیل و بررسی بیشتر است. همچنین در تحقیق‌های آینده می‌توان این نکته را مورد توجه قرار داد

که یافته‌های مبتنی بر داده‌ها کمی این پژوهش نیازمند ارزیابی‌های ژرفانگر و کیفی است؛ به عبارت دیگر، امکان دخالت متغیرهای دیگر (همانند بحران‌های اخلاقی، نابرابری‌های طبقاتی، فقر، آلودگی آب‌وهوا، آثار روانی به‌جای‌مانده از دوران جنگ و غیره) در ارزیابی پاسخگویان از موضوعات مربوط به همبستگی ملی و همگرایی‌های قومی - فرهنگی وجود دارد و می‌توانیم در پژوهش‌های تکمیلی در پی شناخت دقیق‌تری باشیم.

تحلیل بی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان.....

منابع

- آرچر، دیوید (۱۳۹۱). آموزش شهروندی و چندفرهنگ‌گرایی، در اندرو لاکیر و دیگران، آموزش شهروندی در نظر و عمل، ترجمه شهروز ابراهیمی، تهران: آمه.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹). قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه یا واقعیت، تهران: نی.
- ارمه، گئی (۱۳۷۶). فرهنگ و دموکراسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- اسدی اقبلاغی، سیده زهرا؛ سید یوسف حسینی کینکی (۱۴۰۱). تطبیق الگوی برنامه درسی چندفرهنگی با محوریت کشورهای ایران، استرالیا، کانادا، مالزی و هند، مجموعه مقالات همایش مطالعات بین‌رشته‌ای در مدیریت و مهندسی، دوره ۵: ۲۶۰۵-۲۶۱۸.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷). حقوق شهروندی، تهران: سوره مهر.
- افضل‌لی، سعیده؛ صادقی، علیرضا؛ موسی پور، نعمت‌الله؛ قادری، مصطفی (۱۴۰۱). ارزیابی ابعاد سواد چندفرهنگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان، مطالعات آموزشی و آموزشگاهی دوره ۱۱، شماره ۱ (۳۰): ۴۲۷-۴۴۸.
- اکبری، ظاهر؛ نوروزی فرانی، محمدتقی (۱۳۹۹). مبانی خط‌مشی‌گذاری جامعه چندفرهنگی با رویکرد اسلامی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره ۲۱: ۵۵-۷۲.
- انصاری، منصور؛ ضیمری، عبدالحسین (۱۳۸۹). مدل نظری بررسی شیوه‌های تعمیق و گسترش روابط بین خرده‌فرهنگ‌ها و فرهنگ ملی (در ایران)، پژوهشنامه هویت، ش ۵۹: ۹-۵۷.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
- چمن خواه، لیلا (۱۳۸۹). الگوی نظری مطالعه تنوع و انسجام فرهنگی در ایران، تهران: دفتر گسترش تولید علم.
- حسینی بهشتی، سید علیرضا (۱۳۹۳). حقوق بشر در بستر گفت‌وگوهای میان فرهنگی: نسی‌گرایی فرهنگی و سازوکار امر عقلایی، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۱۷: ۴۴-۵۴.
- حسینی بهشتی، سید علیرضا (۱۳۹۵). بنیاد نظری سیاست در جوامع چند فرهنگی، تهران: ناهید.
- حمیدی زاده، کتایون؛ فتحی واجارگاه، کوروش؛ عارفی، محبوبه؛ مهران، گلنار (۱۳۹۸). آموزش چندفرهنگی؛ تأملی در تجربه ایده آل معلمان موفق در مدارس، مدیریت مدرسه، دوره

۷، شماره ۱: ۱۶۳ - ۱۸۱.

- دلاکامپانی، کریستیان (۱۳۸۲). فلسفه سیاست در جهان معاصر، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: هرمس.
- دیویر، کلود (۱۳۸۶). درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نی.
- رستگار، یاسر؛ هادی، سیما (۱۳۹۹). هویت بومی در برابر هویت غیربومی؛ پژوهشی کیفی درباره ناسازگاری‌های هویتی در شهر بندرعباس، علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۹۰: ۳۳ - ۵۹.
- رفیعی محمدی، ناصر (۱۴۰۰). بایدها و نبایدهای تبلیغ دینی در جوامع چندفرهنگی با تأکید بر سیره پیامبر اکرم (ص)، دین و سیاست فرهنگی، سال هشتم، شماره ۱۶: ۱۹۱ - ۲۰۸.
- رکس، جان (۱۳۸۰). اقلیت‌های قومی و دولت ملی: جامعه‌شناسی جوامع چندفرهنگی، ترجمه محمد سعید ذکایی، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۲، شماره ۸: ۱۶۱ - ۱۸۶.
- سواری، خلیل (۱۳۹۷). تأثیر گرایش رادیکالی جوانان عرب شهر اهواز بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (دوران پس از جنگ ایران و عراق)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- شایگان، داریوش (۱۳۸۴). افسون زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران: فرزانه روز.
- شهریاری، حمید (۱۳۸۲). تبیین و نقد آراء السدیر مک اینتایر در فلسفه اخلاق تهران: دانشگاه تهران.
- عبداللهی، جوانمیر؛ روحی، عباد (۱۳۹۷). حمایت از حقوق اقلیت‌ها با توسل به رهیافت شهروندی چندفرهنگی، مطالعات فقه و اصول، دوره ۱، شماره ۱: ۳۳ - ۵۱.
- علیخانی، بهروز (۱۳۸۲). چندپارگی فرهنگی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران معاصر، تهران: دانشگاه تهران.
- فرید، فرشاد؛ خسروی، محمدعلی (۱۳۹۷). نقش قومیت‌های در هویت و همبستگی ملی پس از پیروزی انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: قوم بلوچ)، سپهر سیاست، سال ۵، شماره ۱۷: ۱۲۱ - ۱۳۶.
- فی، برایان (۱۳۸۶). فلسفه امروزی علوم اجتماعی با نگرشی چند فرهنگی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

تحلیل بی‌آمدهای چندفرهنگ‌گرایی در ایران بر مدار آرای منتقدان.....

- قادرزاده، امید؛ نصراللهی، یوسف (۱۳۹۸). مدارای اجتماعی در جوامع چندفرهنگی: مطالعه پیمایشی اقوام شهر میاندوآب، علوم اجتماعی، سال ۱۶، شماره ۱: ۸۹-۱۳۳.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). گفت‌وگوهای حقوق تنوع فرهنگی و قومی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۸، ش ۲۹: ۶۰۹-۶۲۷.
- کالهن، کریج (۱۳۸۹). نظریه اجتماعی و سیاست هویت، ترجمه محمد قلی‌پور و علی محمدزاده، تهران: جامعه‌شناسان.
- کریمی، علی (۱۳۸۵). چندفرهنگ باوری و همبستگی ملی: تأملی انتقادی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲۷: ۸۵-۱۱۲.
- کیملیکا، ویل (۱۳۹۸). شهروندی چند فرهنگی، ترجمه ابراهیم اسکافی، تهران: شیرازه.
- مالشویچ، سنیشا (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی قومیت، ترجمه پرویز دلیرپور، تهران: آمه.
- محمدی، منوچهر؛ رضوانی، محسن؛ مبلغ، حفیظ الله (۱۳۹۹). ساختار سیاسی مردم‌سالاری دینی در جوامع چندفرهنگی، معرفت سیاسی سال ۱۲، شماره ۱ (۲۳): ۶۵-۸۳.
- مک لنان، گرگور (۱۳۸۱). پلورالیسم، ترجمه جهانگیر معینی، تهران: آشتیان.
- مک‌اینتایر، السدیر (۱۳۷۴). فضایل، وحدت زندگی انسانی و مفهوم یک سنت، در مایکل سندل، لیبرالیسم و منتقدان آن، ترجمه احمد تدین، تهران: علمی و فرهنگی.
- مک‌اینتایر، السدیر (۱۳۷۹). تاریخچه فلسفه اخلاق، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران: نشر حکمت.
- مک‌اینتایر، السدیر (۱۳۹۰). در پی فضیلت، ترجمه حمید شهریاری و محمدعلی شمالی، تهران: سمت.
- مک‌اینتایر، السدیر (۱۳۹۱). روابط اجتماعی، استدلال عملی، خیرعمومی و خیر خصوصی، ترجمه مریم اشجع و علی سلیمیان: مجله اینترنتی ترجمان: <http://tarjomaan.com/archives/521>
- ملکیان، مصطفی (۱۳۷۹). آرای اخلاقی و سیاسی مک‌اینتایر، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- مولایی، حمیده (۱۳۸۷). جهانی شدن و حساسیت‌های بین فرهنگی: مطالعه موردی روابط فرهنگی اهل تسنن و تشیع در استان گلستان، تهران: دانشگاه تهران.
- میر محمد صادقی، مریم (۱۳۸۷). چالش‌های حقوق فرهنگی، تهران: دانشگاه شهید

بهشتی.

- میلز، اندرو؛ براویت، جف (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران: ققنوس.
- نجف‌پور، سارا (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل تطبیقی نظریات مک اینتایر و راولز پیرامون عدالت با تأکید بر کارآمدی آن در جوامع چندفرهنگی، رساله دکتری رشته علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان.
- هیوود، اندرو (۱۳۸۹). سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نی.
- واتسون، سی‌دبلیو (۱۳۸۱). کثرت‌گرایی فرهنگی، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- واعظی، احمد (۱۳۸۴). جان راولز از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- واعظی، احمد (۱۳۸۸). نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- والزر، مایکل (۱۳۸۹). حوزه‌های عدالت، ترجمه صالح نجفی، تهران: ثالث.
- یونسکو (۱۳۸۴). تنوع فرهنگی و زبانی در جامعه اطلاعاتی، ترجمه غلامرضا امیرخانی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

- Eller, j. D. (1997). "Anti-Anti Multiculturalism", American Anthropologist, Vol.99, and No.2:249-256.

- Frazer, E. (1999). The Problems of Communitarians Politics, Oxford: Oxford University Press.

- Gray, J. (1996). Post-Liberalism: studies in Political Thought, London: Rutledge.

- Gray, J. (1998). "Where Pluralists and Liberals Part Company", International Journal of Philosophical Studies: Vol 6.

- Keys, T. J. (1996). Resolving the Paradox of a Multicultural Society: The Use of International Folktales for the Promotion of Multicultural value in the Classroom: MacGill University.

- Komarudin, K., Alkhudri, A., Ubedilah, U., Syaifudin, S. & Casmana, A. (2019). The Nationality Education Model: The Implementation of a Score-A Training Model for Youth Across different Cultures in Indonesia. Journal of Social Studies Education Research,

10(2), 308-322.

- Kucheryavaya, E. V., Marta Witkowska, Viktoriya Kalinovskaya, Pavel Seleznev, Svetlana G. Zubanova, Aleksey Fedyaikin. "The Multiculturalism Policy in Europe". Online Journal Modelling the New Europe 32:58-71.

- Lakhani, A. (1993). Different Communities, Different Vision: An Analysis of Multiculturalism as a Resource in Canada: MacGill University.

- MacIntyre, A. (1988). Whose Justice? Which Rationality? NotreDom: NotreDom University.

- Nikolaeva, Y.V., Grimalskaya, S.A., Petrosyants, D.V., Zulfugarzade, T.E., Maystrovich, E.V., Shestak, V.A. (2018). Philosophical view of multiculturalism in modern European cinematography. In: European Journal of Science and Theology. 14(6), 205-214. doi: 10.5281/zenodo.1472151.

- O'Neil, S. (2003). "Justice in Ethnically Divers Societies: a Critique of Political Alienation", Ethnicities, Vol 3, No 3:369-392.

- Rawls, J. (1993). Political Liberalism, New York : Columbia University Press.

- Surijah, E. A., Ayuningtias, A. U. H., Hartika, L. D. & Suryani, A. O. (2019). My Nationality or My Ethnicity? The Pride and Attitudes of Balinese Youth as Citizen of Indonesia. In Makara Human Behavior Studies in Asia (Vol. 23, Issue 1, p. 17). Universitas Indonesia, Directorate of Research and Public Service.